

## تورم و ارزیابی امکان اجرای یک سیاست پولی «مناسب»

مورد ایران ۷۲-۱۳۳۸

جناب آقای دکتر محمدعلی قطمیری و

جناب آقای دکتر غلامعلی شرزهای

اعضاء هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه شیراز

### مقدمه:

پدیده تورم یکی از مشکلات اساسی کشورهای در حال توسعه به شمار می آید. این پدیده کلیه بخش‌های اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. آثار نامطلوب کاهش ارزش پول ناشی از وجود تورم تقریباً کلیه مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و حتی دولت‌ها را دربر می‌گیرد. مطالعه اقتصاد ایران حاکی از آن است که نرخ تورم در دوران پس از انقلاب اسلامی روند صعودی را طی نموده، به طوری که در حال حاضر به یکی از اساسی‌ترین مسائل اقتصادی کشور تبدیل گردیده است.

بررسی آماری نشان می‌دهد که حجم پول در ایران از رشد فزاینده‌ای برخوردار بوده است. این متغیر از اوایل دهه ۵۰ متاثر از درآمدهای سرشار نفتی و پس از انقلاب اسلامی عمدتاً ناشی از کسر بودجه و استقرار دولت از بانک مرکزی بوده است. در این شرایط کنترل تورم به منظور حفظ ارزش پول از اولویت خاصی برخوردار است.

گرچه برای توجیه تورم نظریات متفاوتی ارائه می‌شود، اما جنبه‌های پولی تورم در ایران غیرقابل انکار می‌باشد، چرا که بدون افزایش مداوم حجم پول این پدیده نمی‌تواند دوام داشته باشد.

در این راستا با توجه به نقش خاص بانک مرکزی در عرضه پول و اعمال سیاستهای پولی سه سؤال اساسی در مورد وظائف این بانک به منظور حفظ ارزش پول در نظام بانکی کشور مطرح می‌باشد.

- ۱- آیا هدف اصلی تغییرات حجم پول حفظ ثبات قیمت‌ها در بلندمدت می‌باشد؟ یا این تغییرات باید عمدتاً در جهت تصحیح نوسانات کوتاه‌مدت اقتصادی به کار گرفته شوند؟
- ۲- چگونه می‌توان نرخ رشد مناسب، حجم پول را در اقتصاد تعیین نمود؟
- ۳- شرایط لازم برای اعمال سیاست پولی مناسب توسط بانک مرکزی چیست؟
- در این مقاله پس از بررسی اهداف سیاستهای پولی، چگونگی تعیین حجم پول «مناسب» براساس معیار حجم پول «مناسب» و هماهنگی تغییرات حجم پول در ایران با این معیار مورد مطالعه قرار می‌گیرد. شرایط لازم برای تعیین حجم پول «مناسب»، جمع‌بندی و ارائه پیشنهادات قسمت‌های بعدی این مقاله را تشکیل می‌دهد.

### اهداف سیاستهای پولی:

در ارتباط با اهداف به کارگیری سیاستهای پولی بین اقتصاددانان تا اندازه زیادی توافق نظر وجود دارد. عموماً مهمترین هدف سیاستهای پولی تضمین ثبات قیمت‌ها همراه با حفظ سطح تولید در اشتغال کامل در بلندمدت در نظر گرفته می‌شود. اهمیت سیاستهای پولی در ایجاد ثبات قیمت‌ها به هیچ وجه به مفهوم عدم کارآئی این سیاست در تضمین رشد اقتصادی نیست. ایجاد شرایط مناسب برای رشد از طریق اعمال سیاستهای اعتباری مناسب به خوبی امکان پذیر است. البته در این ارتباط همواره یک سؤال اساسی مطرح می‌گردد.

آیا رشد و ثبات قیمت‌ها لزوماً با یکدیگر هماهنگ می‌باشند؟ مطالعات موجود نشان می‌دهند که گرچه تضاد بین رشد و ثبات قیمت‌ها در کوتاه‌مدت متحمل می‌باشد اما در بلندمدت در صورت اجرای صحیح سیاستهای پولی، رشد لزوماً همراه با تورم نخواهد بود. بدین ترتیب چگونگی اعمال سیاستهای پولی، به خصوص در کشورهای در حال توسعه که اهداف رشد اقتصادی را به طور جدی دنبال می‌نمایند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به طور مشخص در این کشورها تغییرات حجم پول باید به طور دقیق مورد توجه قرار داشته باشد. چرا که این تغییرات تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر سطح درآمد، تولید، اشتغال و قیمت‌ها را به دنبال خواهند داشت. اما باید توجه داشت که بکارگیری سیاستهای پولی به منظور افزایش اشتغال در کوتاه‌مدت می‌تواند به تشدید فشارهای تورمی منجر گردد.

### نرخ «مناسب» رشد حجم پول:

سوالی که با توجه به اهداف سیاست پولی مطرح می‌باشد این است که حجم پول باید با چه نرخی رشد نماید تا دستیابی به ثبات قیمت‌ها همراه با حفظ تولید در سطح ظرفیت کامل امکان پذیر

گردد. البته پاسخ به این سؤال تا اندازه زیادی بستگی به چگونگی ارتباط بین حجم پول، قیمت‌ها و سطح تولید خواهد داشت. در متون اقتصادی دو نظرگاه کاملاً متضاد در این مورد مطرح است. ۱. در حالی که بر اساس نظریه پولی که مبتنی بر نظریات کلاسیک می‌باشد، تغییرات حجم پول عامل تعیین‌کننده درآمد اسمی است. نظریاتی که بر تحلیل کینزی استوار است تاثیر حجم پول بر سطح تولید را تنها از طریق تاثیر بر میزان سرمایه‌گذاری امکان‌پذیر می‌داند. البته واقعیت‌های اقتصادی بینابین این دو دیدگاه قرار دارد.

افزایش حجم پول به منظور دستیابی به اهداف فوق می‌تواند به دو صورت مطرح باشد، «مناسب» و «غیرمناسب»، بنا به تعریف افزایش حجم پول در صورتی «مناسب» خواهد بود که ثبات قیمت‌ها را در شرائط عملکرد اقتصاد در وضعیت اشتغال کامل به دنبال داشته باشد. بدیهی است که در غیر این صورت تغییرات حجم پول «غیرمناسب» خواهد بود. به عبارت دیگر چنانچه تغییرات حجم پول منجر به فشارهای تورمی یا ایجاد حالت رکودی گردد، این تغییرات «غیرمناسب» تلقی می‌گردد.

### چگونگی محاسبه نرخ رشد حجم پول «مناسب»

با توجه به مطالب فوق در این قسمت به ارائه نحوه محاسبه نرخ رشد حجم پول «مناسب» و مقایسه آن با رشد حجم پول در ایران می‌پردازیم. به طور مشخص سه عامل عمده در تعیین نرخ رشد حجم پول «مناسب» مطرح می‌باشد. این سه عامل عبارتند از: کشش درآمدی تقاضا برای پول، نرخ رشد حداکثر ظرفیت تولید قابل دسترس ۲ و تغییرات درجه پولی شدن اقتصاد ۳. در اینجا به توجیه اقتصادی این عوامل می‌پردازیم ۴.

۱- کشش درآمدی تقاضا برای پول: این عامل در واقع نشان دهنده چگونگی واکنش تقاضا برای پول نسبت به تغییرات در سطح درآمد ملی می‌باشد. بدیهی است در صورتی تغییرات حجم پول «مناسب» خواهد بود که مقامات پولی این تغییرات را با توجه به چگونگی تغییرات تقاضای واقعی برای پول در سطح حداکثر ظرفیت تولید قابل دسترس تعیین نمایند و کشش درآمدی تقاضا در این ارتباط از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که انتظار می‌رود با افزایش درآمد تقاضا برای پول با فرض ثابت بودن سایر عوامل با توجه به میزان کشش درآمدی افزایش یافته و حفظ ثبات سطح قیمت‌ها مستلزم واکنش مناسب مقامات پولی می‌باشد. به عبارت دیگر تنها در صورتی افزایش حجم پول باید برابر با افزایش تقاضا برای پول تعیین گردد که کشش درآمدی تقاضا برای پول برابر با واحد باشد. در اینجا ذکر این نکته ضروری است که عوامل دیگری از قبیل نرخ سود، نرخ تورم و تقاضای

واقعی برای پول با یک دوره تاخیر نیز در تابع تقاضا برای پول مطرح می‌باشند. اما برخلاف متغیر درآمد که در کلیه مطالعات تجربی متغیر اصلی بوده حائز اهمیت آماری است، نقش سایر متغیرها قابل بحث می‌باشد.

۲- **ظرفیت تولید قابل دسترس:** همانگونه که مطرح گردید هدف اساسی سیاستهای پولی در بلندمدت تثبیت قیمت‌ها در شرایط اشتغال کامل می‌باشد. بکارگیری مفهوم اشتغال کامل به صورتی که در کشورهای پیشرفته مطرح می‌باشد لزوماً در کشورهای در حال توسعه قابل استفاده نیست چرا که وجود موانع ساختاری و عدم هماهنگی سایر عوامل تولید استفاده از نیروی کار در سطح اشتغال کامل را امکان‌پذیر نمی‌نماید. بدین ترتیب مفهوم حداکثر ظرفیت تولید قابل دسترس برای این کشورها مناسبتر می‌باشد. مقدار این متغیر با توجه به رشد متوسط تولید در طول دوره مورد نظر و مقادیر اولیه تولید قابل محاسبه است. البته باید توجه داشت که به علت وجود نوسانات کوتاه‌مدت، رونق و رکود، این امکان وجود دارد که میزان واقعی تولید برای برخی از سالها بیشتر از حداکثر ظرفیت قابل دسترس و برای برخی سالها کمتر باشد.

۳- **درجه پولی شدن اقتصاد:** میزان تقاضا برای پول علاوه بر عواملی که در تابع تقاضا برای پول مطرح می‌باشد تحت تاثیر درجه پولی شدن اقتصاد نیز قرار دارد. بدیهی است که در جوامع سنتی که عمده مبادلات به صورت پایاپای بوده و میزان خود مصرفی قابل ملاحظه و سهم بخش کشاورزی در تولید ملی زیاد می‌باشد، پول در اقتصاد نقش قابل توجهی ندارد. اما با روند توسعه نقش پول در اقتصاد از اهمیت بیشتری برخوردار گردیده و بنابراین درجه پولی شدن اقتصاد افزایش خواهد یافت. درجه پولی شدن را می‌توان با معیارهای مختلف مورد سنجش قرار داد. از جمله این معیارها می‌تواند به سرعت گردش پول و یا تغییرات سهم بخش کشاورزی در اقتصاد اشاره نمود. با افزایش سرعت گردش پول و یا کاهش سهم بخش کشاورزی می‌توان انتظار داشت که درجه پولی شدن اقتصاد نیز افزایش یابد.

با توجه به مطالب فوق قاعده رشد حجم پول به صورت «مناسب» به صورت زیر قابل بیان است:

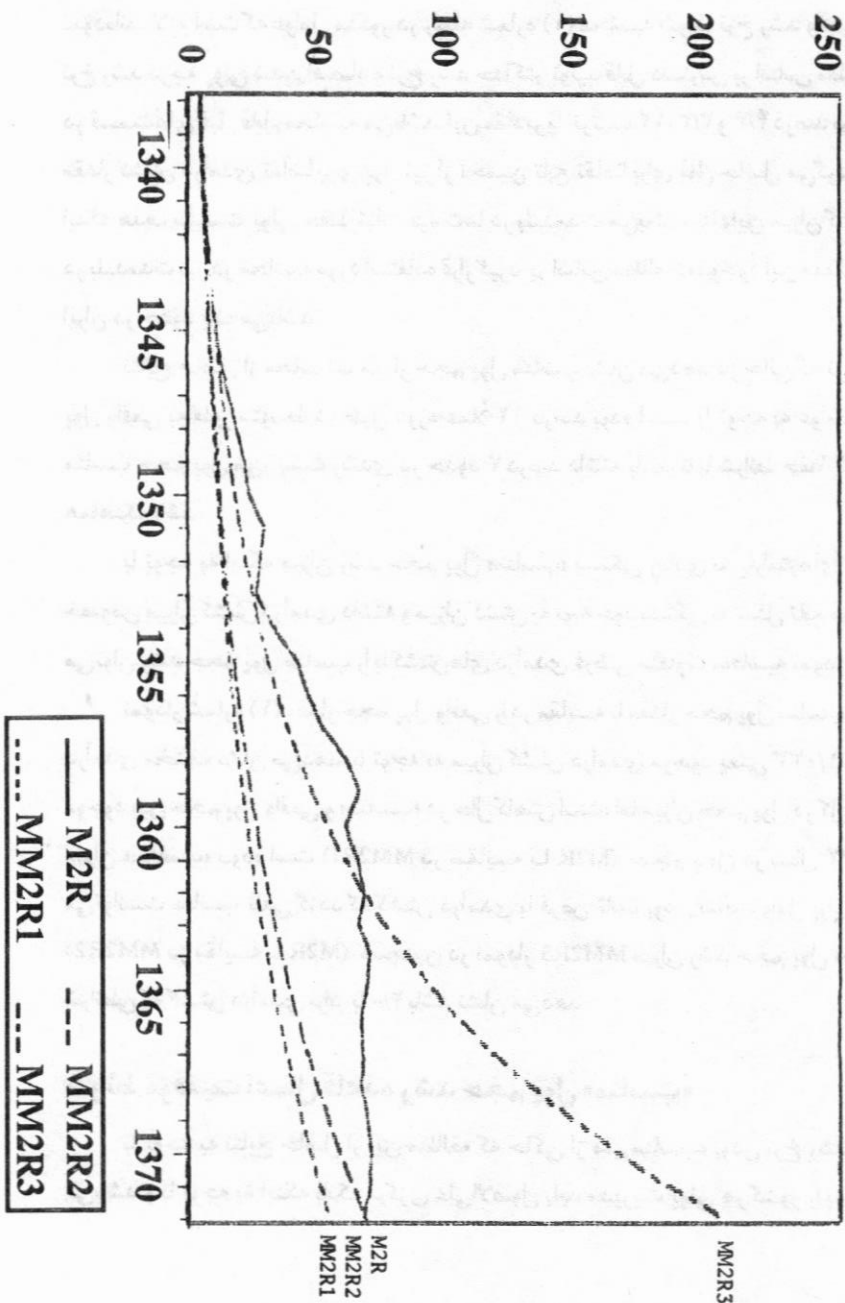
$$g_{ms} = g_{dm} + \beta g_{yf} \quad (1)$$

که در آن  $g_{ms}$  نرخ رشد حجم پول در مفهوم وسیع  $(M_2)$ ،  $g_{dm}$  نرخ رشد درجه پولی شدن اقتصاد،  $\beta$  کشش درآمدی تقاضا برای پول و  $g_{yf}$  نرخ رشد حداکثر قابل دسترس می‌باشد. رابطه فوق به سادگی از فرم لگاریتمی تابع تقاضا برای پول و در نظر گرفتن مقدار حداکثر تولید قابل دسترس بجای تولید واقعی و تعدیل آن برای تغییرات درجه پولی شدن اقتصاد قابل استخراج است.

نمودار شماره ۱

مقدار حجم پول واقعی و مقدار حجم پول «مناسب»

با کشش‌های متفاوت درآمدی تقاضا برای پول



## کاربرد معیار حجم پول «مناسب» در اقتصاد ایران

به منظور بررسی این سؤال که آیا مقامات پولی تا چه اندازه حجم پول را متناسب با تقاضا برای پول در شرایط ثابت بودن تقاضا و در حداکثر تولید قابل دسترس و درجه پولی شدن اقتصاد تنظیم نموده‌اند، لازم است که عوامل مذکور در رابطه شماره (۱) محاسبه شوند. نرخ رشد واقعی حجم پول، نرخ رشد درجه پولی شدن اقتصاد و نرخ رشد حداکثر تولید قابل دسترس بر اساس مطلب ذکر شده در قسمت‌های قبل قابل محاسبه می‌باشد. این مقادیر به ترتیب ۱۲، ۳/۳ و ۴/۴ درصد برآورد شده‌اند. مقدار کسش درآمدی تقاضا برای پول نیز از تخمین تابع تقاضا برای پول حاصل می‌گردد. با توجه به اینکه هدف سیاست پولی حفظ ثبات قیمت‌ها در بلندمدت می‌باشد، بنابراین میزان کسش درآمدی در بلندمدت نیز در محاسبه مورد استفاده قرار گیرد. بر اساس مطالعات موجود این مقدار برای اقتصاد ایران در حدود یک می‌باشد.

نتایج حاصل از محاسبات معیار حجم پول مناسب نشان می‌دهد در حالی که نرخ رشد حجم پول واقعی به طور متوسط در طول دوره عملاً ۱۲ درصد بوده است، با توجه به عوامل نرخ رشد مناسب حجم پول می‌بایست رشدی در حدود ۷ درصد داشته باشد تا با شرایط حفظ ثبات قیمت‌ها هماهنگ باشد.

با توجه به اینکه میزان رشد حجم پول «مناسب» بستگی زیادی به پارامترهای مربوطه و به خصوص میزان کسش درآمدی داشته و میزان کسش به نوبه خود بستگی به شکل تابع مورد نظر دارد، می‌توان رشد حجم پول مناسب را با کسش‌های درآمدی فرضی متفاوت محاسبه نمود.

نمودار شماره (۱) مقدار حجم پول واقعی را در مقایسه با مقدار حجم پول مناسب با کسش‌های درآمدی مختلف نشان می‌دهد. با توجه به میزان کسش درآمدی موجود یعنی ۱/۰۳۳، گرچه شکاف موجود بین حجم پول واقعی و «مناسب» در حال کاهش است، اما میزان حجم پول در کل دوره بیش از میزان «مناسب» بوده است (MM2R1 در مقایسه با M2R). حجم پول در سال ۷۲ در صورتی می‌توانست مناسب تلقی گردد که کسش درآمدی با فرض ثابت بودن سایر عوامل برابر با ۱/۲ باشد (MM2R2 در مقایسه با M2R). همچنین در نمودار MM2R3 میزان رشد حجم پول «مناسب» را در شرایطی که کسش درآمدی برابر با ۲/۰ باشد نشان می‌دهد.

### شرایط موفقیت اعمال قاعده رشد حجم پول «مناسب»

با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه که حاکی از «غیرمناسب» بودن نرخ رشد حجم پول می‌باشد و با توجه به اینکه بانک مرکزی علی‌الاصول باید مدیریت پولی هر کشور را به عهده داشته

باشد در این قسمت شرائطی که می‌تواند منجر به موفقیت بانک مرکزی در اجرای سیاستهای پولی گردد را مورد بررسی قرار می‌دهیم. بر اساس مطالعاتی که در مورد نحوه عملکرد بانکهای مرکزی کشورهای مختلف و درجه موفقیت آنها در اعمال سیاستهای پولی را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود: ۶-

۱- وظیفه و هدف تثبیت قیمت‌ها و در نتیجه حفظ ارزش پول باید به طور صریح به عهده بانک مرکزی گذاشته شود.

۲- بانک مرکزی باید سیاستهای مورد نظر خود را برای نیل به تثبیت قیمت‌ها به اطلاع مردم و سایر مقامات قانونی برساند.

۳- بانک مرکزی باید سیاستهای خود را برای مراجع قانون‌گذاری و مردم توجیه نماید.

۴- بانک مرکزی باید مسئولیت دستیابی به اهداف اعلام شده را بپذیرد و در قبال آن پاسخگو باشد.

۵- بانک مرکزی نباید اجباری در تامین کسر بودجه دولت داشته باشد.

۶- نهایتاً بانک مرکزی باید اختیار لازم را برای اعمال سیاستهای مورد نظر از جمله تعیین نرخ سود و حجم پول داشته باشد.

### ذکر توضیحاتی در مورد نکات فوق ضروری است.

اصولاً چنانچه وظیفه تثبیت قیمت‌ها در اختیار نهادهائی غیر از بانک مرکزی باشد، طبیعی است که بدون هماهنگی لازم توسط مقامات پولی این وظیفه نمی‌تواند موفقیت‌آمیز باشد. بکارگیری روشهایی که مبتنی بر مکانیزم‌های اقتصادی نیستند هیچگاه نمی‌توانند تثبیت قیمت‌ها را در بلندمدت تضمین نمایند. در صورتی که بانک مرکزی عملاً عهده‌دار تثبیت قیمت‌ها گردد، در این صورت لازم است که سیاستهای مورد نظر برای کاهش نرخ تورم به طور روشن به اطلاع عموم رسانیده شود. این سیاستها می‌تواند مربوط به نرخ سود یا حجم پول باشد. البته بانک مرکزی در صورت کسب اختیار لازم برای اعمال سیاستهای مورد نظر باید مسئولیت دستیابی به اهداف مورد نظر را بپذیرد. نکته مهمی که در این ارتباط مطرح می‌گردد این است که در صورت عدم دستیابی بانک مرکزی به اهداف تعیین شده چگونه می‌توان بانک را مورد سؤال قرار داد؟

این نکته از این نظر حائز اهمیت است که حفظ ثبات قیمت‌ها در بلندمدت توسط بانک مرکزی مستلزم ثبات مدیریت این بانک می‌باشد. به عبارت دیگر به زیر سؤال بردن مقامات پولی می‌تواند اعتبار این مقامات را خدشه‌دار ساخته و در نتیجه درجه موفقیت سیاستها را کاهش دهد. نکته دیگر و

در عین حال بسیار مهم آنکه تجربه اغلب کشورها نشان می‌دهد که تامین کسر بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی، بدون اینکه این بانک اختیار لازم برای تامین آن داشته باشد بدون استثناء منجر به تورم و کاهش ارزش پول گردیده است.

نهایتاً باید این نکته را در نظر داشت که با توجه به عدم وجود شرائط فوق در اقتصاد ایران نمی‌توان انتظار داشت که بانک مرکزی بتواند قاعده رشد حجم پول «مناسب» را عملی سازد. ایجاد شرائط مزبور باید در اولویت سیاستگزاری به منظور حفظ ارزش پول قرار گیرد.

### خلاصه و جمع‌بندی:

در این مقاله با توجه به شرائط تورمی اقتصاد ایران و نقش خاص بانک مرکزی و تاثیر حجم پول بر سطح قیمت‌ها سه سؤال مشخص در مورد اهداف سیاستهای پولی، نرخ رشد مناسب حجم پول و شرائط لازم برای اعمال سیاست پولی «مناسب» مورد بررسی قرار گرفته است. سپس با در نظر گرفتن تثبیت قیمت‌ها در بلندمدت به عنوان عمده‌ترین هدف سیاستهای پولی نرخ رشد حجم پول «مناسب» به عنوان سیاست مناسب معرفی گردیده است. در صورتی تعیین نرخ رشد حجم پول توسط بانک مرکزی «مناسب» خواهد بود که این نرخ در عین تثبیت قیمت‌ها در بلندمدت این امکان را برای اقتصاد فراهم آورد که بتواند از حداکثر رشد قابل دسترس تولید نیز برخوردار باشد. رسیدن به این هدف توسط بانک مرکزی مستلزم وجود شرائط معینی از جمله وجود اختیارات لازم و پذیرش مسئولیت در مقابل عملکرد توسط مقامات پولی و عدم اجبار در تامین کسر بودجه دولت می‌باشد.

### یادداشت‌ها و منابع

1. Rangarajan C., "Issues in Monetary Management", Indian Economic Journal, Vol.36, No. 3, 1989.
2. Maximum Feasible Output.
3. Degree of Monetization.
4. Pathak, D.S. et. a..., Planning for Neutral Money Supply in African Economies With Special Refrence to Kenya, Indian Economic Journal, Vol. 41, No. 1, pp. 31-40, 1993.
- ۵- نوفرستی، محمد، «رابطه تقاضا برای پول با نرخ برابری ارز و نرخ تورم»، برنامه و توسعه، دوره ۶ شماره ۱۱ پاییز ۱۳۷۴، صفحه ۱۱.
6. Forrest Capie et. a. 1., The Future of Central Banking, Cambridge University Press, 1994. p. 301.